

من و آدولف هیتلر

نویسنده: هایک بی زارما در

مترجم: مهدی لطیفی شیرجینی

۱۳۹۹

سرشناسه	:	گورتماکر، هایکه ب.، ۱۹۶۴-م.
عنوان و نام پدیدآور	:	Görtemaker, Heike B., 1964-
منتسبات نشر	:	من و آدولف هیتلر/نویسنده هایکه بی گورتماکر؛ مترجم مهدی لطیفی شیره جینی.
منتسبات طاهری	:	تهران: انتشارات منوچهری، ۱۳۹۸.
شابک	:	۲۹۶ص.
وضعیت فهرست نویسی	:	600-5994-59-9۹۷۸-
بازداشت	:	فیبا
بازداشت	:	عنوان اصلی: Eva Braun.
موضوع	:	عنوان به انگلیسی: Eva Braun : life with Hitler.
موضوع	:	براون، ابوا، ۱۹۱۲ - ۱۹۴۵م.
موضوع	:	Braun, Eva
موضوع	:	هیتلر، آدولف، ۱۸۸۹ - ۱۹۴۵ م -- دوستان و آشنایان
موضوع	:	Hitler, Adolf -- Friends and associates
موضوع	:	هیتلر، آدولف، ۱۸۸۹ - ۱۹۴۵ م -- خانواده
موضوع	:	Hitler, Adolf -- Family
موضوع	:	معشوقه‌ها -- آلمان -- سرگذشتنامه
موضوع	:	Mistresses -- Germany -- Biography
موضوع	:	زبان -- آلمان -- سرگذشتنامه
موضوع	:	Women -- Germany -- Biography
موضوع	:	رومای دولت -- آلمان -- همسران -- سرگذشتنامه
موضوع	:	Spouses of heads of state -- Germany -- Biography
موضوع	:	آلمان -- تاریخ -- ۱۹۳۳-۱۹۴۵م. -- سرگذشتنامه
موضوع	:	Germany -- History--1933 - 1945 -- Biography
موضوع	:	لطیفی مهدی، ۱۳۷۱ - مترجم
شناسه افروده	:	۱۳۹۸/۹۹۹۹۹۹۹۹
رده بندی کنگره	:	۱۳۷۱/۹۹۹۹۹۹۹۹
رده بندی دیویی	:	۱۳۷۱/۹۹۹۹۹۹۹۹
شماره کتابشناسی ملی	:	۱۳۷۱/۹۹۹۹۹۹۹۹



انتشارات منوچهری

عنوان: من و آدولف هیتلر

نویسنده: هایکه بی گورتماکر

مترجم: مهدی لطیفی شیره جینی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹

ناشر: انتشارات: منوچهری

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

آدرس: خیابان جمهوری شرقی بعد از باغ سپه سالار روبه روی پاساژ اروپا پلاک ۱۰۹

تلفن: ۳۳۱۱۶۲۱۸

فهرست مطالب

۵..... مقدمه

۱۰..... **قسمت اول**

۱۱..... قرار ملاقات

۱۲..... استودیوی هاینریش هاگمن

۳۰..... مونیخ پس از حمله جهانی اول

۴۰..... خانواده‌ی رون

۵۳..... افزایش قدرت هتلر

۷۵..... **قسمت دوم**

۷۶..... زنان در سوسیالیسم ملی

۱۳۴..... معشوقه و حلقه‌ی درونی حزب

۱۵۳..... زندگی در اوپرسالزبورگ

۲۲۸..... **قسمت سوم**

۲۲۹..... انزوا در طول جنگ

۲۶۰..... رویدادهای ۲۰ ژوئن ۱۹۴۴ و عواقبشان

۲۷۰..... تصمیمات درباره برلین

۲۹۰..... بعد از مرگ

۲۹۳..... نتیجه‌گیری

مقدمه

در ۷ مارس ۱۹۴۵، زمانی که اوا براون در ماشین با راننده شخصی از مونیخ به برلین می‌رفت، تصمیم گرفت فصل آخر داستان زندگی خویش را خودش رقم بزند. این داستان در سال ۱۹۲۹ در دفتر یک عکاس مونیخی به نام هاینریش هافمن، محل نخستین ملاقات او با رهبر بالا رتبه حزب راستگرایان یعنی «حزب سوسیالیست ملی کارگران آلمان» آغاز شد که در آن زمان چندان هم موفق نبودند. نام این رهبر آدولف هیتلر بود. اوا او را با طرف میل باطنی، برای مردن در کنار هیتلر و به سمت پایتخت رانندگی می‌کرد.

هیتلر به براون دستور داد تا در سالزبورگ، کوهی از کوهستان‌های بایرن در نزدیکی «برشتسگادن»، آجایی که به رهبر حزب در آنجا اقامتگاه بزرگی به نام «برگهوف» داشت، اقامت داشته باشد. برلین بعد از حملات هوایی متفقین در سوم فوریه به شدت آسیب دیده و عملاً تخریب شده بود. آژیرها به تلاطم هوایی در طی روز چندین بار به صدا در می‌آمدند. ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی در مادرانویه به رود «ودر»^۱ رسیده بود و نیروهای آمریکایی و بریتانیایی که توسط متحدان متفقین پشتیبانی می‌شدند، از غرب نزدیک می‌شدند. در نتیجه، هیچ کس در ساختمان در انتظار دیدن اوا براون را نداشت. «آلبرت اشپیر»^۲ در خاطرات خود از ورود اوا براون به خانه رایش سوم این گونه می‌نویسد: «گویا که به تمثیل یا در واقعیت، با حضور او، فرشته مرگ به بناگاه وارد شد». با فرض صحت این موضوع، او نیز از گالبد یک معشوقه خالی شد. چون در کنار هیتلر مرد، نامش هرگز از هیتلر جدا نشد و همچون افسانه با او ماند. اما آیا این چیزی بود که او می‌خواست؟

^۱ Berchtesgaden

^۲ Albert Speer

^۳ Oder

بنا به گفته‌ی مورخ انگلیسی، «یان کرشاو»، هیچ کس نتوانست قرن بیستم را به اندازه هیتلر، تغییر دهد. بی تردید پیامدهای تجربه‌ی تکان دهنده یک جامعه مدرن، پیشرفته و فرهنگی که به سرعت در وحشیگری خود غرق شد، تا به امروز ادامه داشته است. در این روند، نام هیتلر در سراسر جهان به نمادی از خشونت، اعمال غیر انسانی، نژادپرستی، ناسیونالیسم منحرف، نسل کشی و حتی جنگ تبدیل شد. از ۳۰ ژانویه ۱۹۳۳، هنگامی که هیتلر توسط رئیس جمهور «پائول فون هاینبرگ»^۱، صدراعظم نامیده شد و از زمانی که حزب نازی به طور قانونی قدرت را در دست گرفت، نه تنها برای توصیف ساختار سیاسی دیکتاتوری سوسیالیست ملی، بلکه بیش از هر چیزی برای به تصویر کشیدن «پایدهای» به نام آدولف هیتلر، تلاش‌های بی‌شماری صورت گرفت و این بحث‌ها همچنان ادامه دارد.

اما در مقابل، بنابر گزارشات «هیو ترور روپر»^۲، اوا براون، معشوقه‌ی سال‌های متمادی و در نهایت همسر یک «جسس شیلمانی»، در چشم تاریخ و به عنوان سایه‌ی کم‌رنگی از هیتلر، همچون «یک یأس تاریخی»، بسیار کم ارزش و پوچ تلقی می‌شود. دلیل این امر آن است که «اوا براون» در تصمیماتی که به بدترین جنایات قرن گذشته منجر شده است، هیچ نقشی نداشته و برای هیتلر، تنها حکم یک بهشت کاذب در خلوت‌های خصوصی را ایفا می‌کرده که شاید همین موضوع خود دلیل وحشی‌گری‌های بی‌رحمانه و دنباله‌دار هیتلر بود. بنابراین در زندگینامه‌های هیتلر نیز اوا براون در حاشیه مانده است. در چندین کتاب که داستان زندگی او را شرح می‌دهند، از او به عنوان زنی با سرنوشت غم‌انگیز یاد شده است و از پرداختن به نقش او در زندگی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هیتلر، جز در مواردی که نویسنده اهداف تبلیغاتی ایدئولوژیک را دنبال می‌کرده، اجتناب شده است. نادیده گرفتن اوا براون حتی به عنوان یک شخصیت تاریخی، به خاطر اهمیت بسیار کم رنگ او در کنار تصویر هیتلر است، چرا که نشان دادن تصویر انسانی از هیتلر به دیگران، هم اکنون نیز موضوع بحث است. بعضی از زندگینامه‌نویسان هیتلر معتقدند

^۱ Paul von Hindenburg

^۲ Hugh Trevor-Roper's

که موضوع آن‌ها «غیر شخصی» است؛ برای مثال «یوآخیم فست»^۱، در اوایل دهه ۱۹۷۰ اعتراف کرد که هیتلر در اصل قدرت زیاد و «عظمت مختص خود» را داشته است، اما در کنار این‌ها وی از گسستگی شخصیت، ظاهر تند و تیز و ظریف او انتقاد کرده و ناتوانی هیتلر در اداره‌ی یک زندگی روزمره و معمول را یادآور شده است. چند دهه بعد، «یان کرشاو» گفت که کل موجودیت هیتلر، به نقش او به عنوان یک رهبر وابسته است که این نقش را نیز دیگران به او داده‌اند، تا جایی که او فاقد یک موجودیت «شخصی» و «عمیق» بود؛ طبق گفته «کرشاو»، زندگی شخصی این حاکم که نوعی «قدرت فوق‌العاده‌ی کاریزماتیک» داشت، چیزی فراتر از زنجیره‌ی اتفاقات معمول نبوده است.

محققان، حتی بعد از هشتاد سال و با علم به اینکه تحقیقات تاریخی، بعد سال‌ها واژه‌های همچون «عمیق» را به میتم نسبت داده‌اند، همچنان به دنبال شخصیت عجیب و غریب این هیولا هستند. اما آیا این اقدام، منجر به برجسته‌تر شدن شخصیت کم‌ارزش هیتلر در گذر زمان نمی‌شود؟ آیا این اقدام، منجر به این نمی‌شود که او را یک انسان و نه شیطان تلقی کنیم و در نتیجه‌ی آن، دست از تقاضای خود علیه او برداریم؟

در نهایت، «ژوزف گوبلز»، وزیر تبلیغات سیاهی هیتلر بود که با تمام وجود این ایده را مطرح کرد که «رهبر»، زندگی و همه خوشبختی شخصی خود را برای شادی و خوشبختی مردم آلمان قربانی کرد و مانند «سنگ در دل دیوانه» به خاطر انسان‌های عادی، در مقابل همه دغدغه و دل‌نگرانی‌های روزمره ایستاد. حال آیا ما با این نگرش، چهره‌ای تصنعی از هیتلر نمی‌سازیم و باعث نمی‌شویم که نسل‌های آینده، برخورد با تاریخ و شناخت طبیعت دیکتاتوری نازی‌ها با مشکل برخورد کنند؟

منظور من به هیچ وجه تاکید بیش از حد بر یک شخص در تاریخ نیست. پسین، پیشنهاد نمی‌کنم که زندگی شخصی این دیکتاتور را بشناسانیم، چرا که این دیکتاتور از قبل به عنوان یک شخصیت شیطانی مشکوک، «در قالب انسان» شناخته شده است. در عوض، یک مطالعه انتقادی و ارجاعی از زندگی او را بران؛ که تا به حال کسی انجامش نداده، می‌تواند دیدگاه جدیدی از هیتلر را ارائه دهد و حتی باعث از بین رفتن نگاه

^۱ Joachim C. Fest

شیطانی افراد به اوا براون شود. بنابراین سؤال اصلی این است که «این زن چه کسی بود و چه چشم انداز جدیدی از جنایات قرن را می‌تواند ارائه دهد؟» واقعیت این است که اوا براون و آدولف هیتلر برای چهارده سال با هم بوده‌اند؛ رابطه‌ای که فقط می‌توانست با خودکشی دو نفری پایان یابد. علاوه بر این، این رابطه تنها یکی از روابط شخصی نزدیک هیتلر با زنان بوده است.

اوا براون عمدتاً از جامعه آلمانی پنهان شده بود و بنا به گفته‌ی «یواخیم فست»، با هر جوان، بور، ورزشی، جذاب و سرگرم‌کننده‌اش با چهره «روانپیش»، خشک، بی‌روح و سخت‌هیتلر که در عکس‌های شخصی دیده می‌شود، سنخیت نداشت. گفته می‌شود اوا براون عاشق مد، موسیقی جاز و سینما بود و کتاب‌های «سکار وایلد»^۱ را (که از سال ۱۹۳۳ به بعد ممنوع شد) مطالعه می‌کرد. او همچنین از مسافرت خوشش می‌آمد و رویدادهای ورزشی را به شدت دنبال می‌کرد. زندگی او چندان با زندگی ایده‌آل خرده بورژوازی زن آلمانی^۲ که توسط ایدئولوژی نازی مطرح شده بود، مطابقت نداشت؛ ایدئولوژی که معتقد بود زن آلمانی احتیاج از خانه شوهری و جایگاه مادری خویش دفاع می‌کند. پس چه چیزی باعث ارتباط اوا براون با هیتلر شد؟ رابطه او با مردان نزدیک به محافل رهبر نازی یعنی «هرمان گورینگ»، «آلبرت اسپیر» و «مارتین بورمان»^۳ چه بود؟ این رابطه چه تأثیر آشکاری بر «سیاست»^۴ ایا او با معشوقه خود در یک دنیای خصوصی موازی زندگی می‌کرد که اساساً با «تئوریه»^۵ می‌رهبر در تضاد بود؟ آیا اصلاً امکان دارد که زندگی خصوصی و عمومی این گونه از هم جدا شود؟ آیا در هر دو حالت، این دو دنیا به یکدیگر تعلق داشتند؟

به هر حال، اوا براون با تمام زیبایی ظاهری‌اش، یک زن جوان با توانایی‌های متوسط و از یک خانواده متعارف و طبقه متوسط به پایین بود. او به وضوح به خاطر زمینه‌ی قبلی یا علایق شخصیش، هرگز برجسته جلوه نداد. اغلب ذکر شده است که او به طور قابل ملاحظه‌ای، نسبت به رویدادهای آن زمان و هم‌فکری‌های سیاسی رغبتی نشان نمی‌داد.

^۱ Oscar Wilde

^۲ Martin Bormann

^۳ Hermann Göring

اوا براون پیچیدگی و زرق و برق مگدا گوبلز^۱، تاثیرگذاری سیاسی «آنلیس فون رینتروپ»^۲، (دختر اتو هنکل^۳، تولیدکننده نوشیدنی) و تعصب «گردا بورمان»^۴ را نداشت. اما دقیقاً همین ویژگی‌های شخصیتی متوسط و معمول او است که ما را به بازسازی رویدادهای زندگی او و می‌دارد. «عادی بودن» او در مرکزیت این فضای «شیطانی»، کمی بی‌مورد است و به آن شخصیت شیطانی، آرامش و درک متفاوتی می‌بخشد.

^۱ Magda Goebbels

^۲ Otto Henckell

^۲ Anelies von Ribbentrop

^۴ Gerda Bormasnn